

«باسمه تعالیٰ»

همایش حضرت معصومه و قم - تابستان ۹۱  
قم المقدّسه - جامعه الزّهراء (سلام الله علیها)

# زیارت عارفانه

بررسی ولایت تکوینی حضرت فاطمه

معصومه (سلام الله علیها)

نگارنده:

آفرین قائمی

قم المقدّسه / ۹۱

## مقدمه

«و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة. قالوا: أ تجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقدرس لك؟ قال: إني أعلم ما لاتعلمون؛ و (یاد آور) هنگامی که پروردگارت به ملائکه فرمود: هرآینه من در زمین جانشینی قرار خواهم داد. گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می دهی که در آن فساد نموده و خونریزی نماید، در حالی که ما به همراه حمد، تسبیح تو و تقدیس تو را گوییم؟! فرمود: هر آینه من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.» (بقره/۳۰/۲) هدف خلقت انسان رسیدن وی به مقام خلافت و ولایت الهی می باشد. راه وصول به مقام خلافت برای همگان بالقوه باز است؛ لکن اغلب انسانها یا وارد این عرصه نمی شوند و یا در میانه راه از حرکت باز مانده و به مطلوب نهایی بار نمی یابند.

خود این رتبه و مقام نیز تشکیکی بوده و همه واصلان در یک مرتبه وجودی قرار نمی گیرند و ولایت ایشان بر ما سواه دارای شدت و ضعف (سعه و ضیق) می باشد؛ لکن حداقل های آن مثل: توان بر ارائه معجزات یا کرامات و اخبار غیبی و... میان همه واصلان مشترک بوده و همین علائم، شناسایی ایشان از دیگران را ممکن می سازد. دیگر نشانه شایع و بارز ایشان ذکر دائم اله و زهد از دنیا و متعلقات آن است:

«فی بیوت أذن الله أن ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له بالغدو و الأصال\* رجال لاتلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله و إقام الصلوة و إيتاء الزكوة، يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الأبصار\* ليجزيهم الله أحسن ما عملوا و يزيدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب؛ در خانه هایی که خداوند اجازه داده که بالا رود و نامش در آن صبحگاهان و شبانگاهان یاد آوری شود\* مردانی اند که نه تجارت و نه خرید و فروش ایشان را از یاد خدا و برپایی نماز و دادن زکات باز ندارد. ایشان از روزی که در آن چشم ها و قلب ها واژگونه گردد، بیمناک اند\* تا این که خداوند به چیزی بهتر از آن چه که انجام داده اند، ایشان را پاداش دهد و از فضل خویش بر ایشان فزونی بخشد و خداوند به هر که بخواهد روزی بی حساب بخشد.» (نور/۳۶-۳۸)<sup>۱</sup>

سایرین در قبال این وارستگان و واصلان، وظیفه احترام و تکریم و اقتداء را بر عهده دارند. اگر به وظائف خود عمل نمایند، در دنیا به هدایت ایشان مهتدی شده و در قیامت به شفاعت ایشان وارد بهشت خواهند شد. یکی از این بزرگواران که عطیه ای به مردم ایران و به خصوص اهالی قم می باشد، حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) می باشند. امام رضا (علیه السلام) می - فرماید: «من زارها، عارفاً بحقها فله الجنة؛ هر کس ایشان را در حالی که حق ایشان را می -

<sup>۱</sup> رک. جوادی آملی، عبد الله، ولایت در قرآن، صص ۱۰۹-۱۲۰؛ نیز: همو، تحریر تمهید القواعد، صص ۸۲-۸۵ و ...

شناسد، زیارت نماید، پس بهشت از آن وی خواهد بود.<sup>۲</sup>

### مزایای قم به برکت مدفن حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

قم در روایات و مضامین مختلف تاریخی با تعابیر ذیل معرفی گردیده است، که همه مزایا به برکت حضور و بالأخره مدفن کریمه آل الله (س) می باشد: «قم قطعه ای از بهشت است، که ملائکه بر آن بال گشوده اند و نظرگاه پیامبر (ص) از معراج که دارای درخشش و بوی خوش بهشتی بوده، پس بدان هبوط و از آن عبور نموده و به شیطان خطاب کرده باشند که: «قم یا إبلیس» و او را با این فرمان از این سرزمین رانده باشند. اهالی این سرزمین هیچ گاه در برابر ظلمه و أَعوان آن ها تسلیم نشده و همیشه در حال قیام و شورش علیه فساد و تباهی بوده است. بنابر این در زمان قیام مهدی (عج) نیز زمینه ساز ظهورش گشته و در پی خروجش به گرد وی جمع شده، اطاعت و یاریش می نمایند. به این جهات است که این دیار «قم» نام گرفته و به قیام شهرت دارد.

اهالی قم پس از ملکوت آسمان های هفتم و چهارم و آسمان دنیا و نیز بعد از مکه و مدینه و کوفه، پذیرای «امانت إلهی» یعنی: «ولایت علی بن ابی طالب (ع)» شد و دری از درهای بهشت را به خود اختصاص داد. پس قم سرزمین برگزیده خدا است که کشتی نوح نیز بر آن سیر داده شد و امداد و نصرت إلهی همیشه شامل اهل قم بوده، پس هر کس قصد سوئی بدان نموده، دیر یا زود نابود و به قهر إله گرفتار یا به امر دیگری مشغول داشته شده و می شود.

این دیار مجمع عباد الرّحمن، خانه نجباء، منبع و مأمن شیعه، آشیانه آل محمد (ص) و مأوای شیعیان ایشان و منزلگاه فاطمیون و یاران آل الله و قائم آل محمد (عج) است که خمیر مایه ایشان را از «ولایت» سرشته اند. پس این جا «حریم آل الله» است، همان گونه که مکه حریم خداوند متعال و مدینه حریم رسول الله (ص) و کوفه حریم امیرالمؤمنین (ع) می باشند. قمیون اهل رکوع و سجود، اهل علم و فقه و درایت اند و نیکو عبادت نمایند، پس برکات خداوند دائماً بر ایشان سرازیر شود.

اهل آن حجّت بر جنّ و انس در مشرق و مغرب عالم شده و علوم دینی را به سراسر دنیا گسترش دهند، تا آن جا که مستضعف دینی در دنیا نماند و زمینه برای ظهور حجّت (عج) فراهم گردد و إلا اگر قمیون نبودند دین ضایع می شد و زمین اهلش را در خودش فرو می برد. زیست کثیری از نواده های ائمه و نیز بزرگان از علماء و صلحاء و دفن ایشان در این سرزمین، بر کرامت این شهر افزوده است، زیرا ایشان از اهل بیت و اهل بیت از ایشان اند.

<sup>۲</sup> مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷ و نیز: ج ۱۰۲، ص ۲۶۶؛ ج ۴۸، ص ۳۱۷.

قم خیزشگاه رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) می باشد که رادمردی بود در راه ولایت قدم نهاده و دست از جان و دنیا شسته تا ولایت آل الله را از نو زنده و به جهانیان معرفی نماید. انقلاب وی زمینه را برای ظهور قائم آل محمد (عج) مساعد نمود. وی در کنار یارانش، به سان فولاد محکم و استوار بر راه راستین خود استقامت ورزیدند تا توانستند طاغوتیان بلکه ابرنفرتان تاریخ را در هم شکسته و صولت شیطان را در هم فرو ریزند و کلمه الله را اعتلا بخشند. رهروانش نیز به سان وی تا تسلیم حکومت به صاحب الأمر در این مسیر «راست قامتان همیشه تاریخ می مانند».<sup>۳</sup>

در این خاک نیرویی مرموز نهفته است که هر ولایت مداری را از هر گوشه دنیا به خود جذب و به سوی خود می کشاند! قمیون هر جا و هر که باشند، عاقب قمی می شوند! ایشان در وطن احساس غربت نموده و تا در قم مستقر نشوند، به آرامش نمی رسند! پس مهاجر إلى الله شده و ملامت ملامتگران و سختی ها و مشکلات غربت را به جان می خرنند! می آیند تا در پرتو ولایت تکوینی فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و سایر پاکان مدفون در دیار قم، به ریسمان محکم الهی چنگ زده و با قدم نهادن در وادی وصل معشوق به روحانیت صرف و ولایت تکوینی در حلّ خویش بار یابد و هادی دیگران شوند! در قیامت، همه برانگیختگان راهی بیت المقدس می - شوند، مگر اهالی قم که بر جای می مانند تا به حساب شان رسیدگی گردد. پس خوشا به اهل قم! خوشا به اهل قم! خوشا به اهل قم! اللهم اعصمهم من کلّ فتنه و نجّهم من کلّ هلكه»<sup>۴</sup>

علامه طبرسی راز و رمز امتیاز برخی بلدان بر سایر بلاد را در ذیل کریمه «لا أقسم بهذا البلد و أنت حلّ بهذا البلد» چنین می آورد: «... و هذا تنبیه علی أن: شرف البلد بشرف من حلّ فيه...؛ این بیانگر آن است که شرافت سرزمین ها به سبب شرافت کسی است که در آن مستقر شده و تعظیم آن سرزمین در واقع تعظیم آن شخصیت است و خود خاک به خودی خود موضوعیتی ندارد».<sup>۵</sup>

«شهر قم اگر چه دارای سوابق درخشان تاریخی، سیاسی، مذهبی است که آن را شهری ممتاز قرار داده است، ولی از آن جایی که طلوع نجمه فروزان ولایت و کوكب دریّه مشكوه نبوت بر افق آسمان شهر قم ظاهر شد، این دیار را روشنی بخش دیده افلاکیان و مطاف و مزار عرشیان حق قرار داد. ... آن حضرت که می -

<sup>۳</sup> کلام جاویدان راست قامت همیشه تاریخ: شهید مظلوم دکتر محمد حسین بهشتی!

<sup>۴</sup> برگرفته از کتب تاریخی در مورد قم و نیز کتب روایی در این زمینه که در فهرست منابع و مآخذ خواهند آمد؛ از جمله: بحار، ج ۶، صص ۲۰۳-۲۰۷؛ ۲۱۱-۲۲۱؛ ۲۲۸-۲۳۱ و نیز: دکتر عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۱، ص ۴۲۷ و ...

<sup>۵</sup> نقل از بحار، ج ۶۰، ص ۲۰۳.

رفت زینب وار با سفر پر برکتش سند گویایی بر حَقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزورانه به قتلگاه بنی العباس برده می شد؛ ناگاه تقدیرِ الهی بر این شد که مرقد آن بزرگ حامی خط ولایت و امامت [در آغوش مرکز تشیع در آن زمان و در قرون آینده قرار گیرد تا] برای همیشه تاریخ فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیع علوی در قرون و اعصار [متمادی] باشد.<sup>۶</sup>

طبق اسناد تاریخی چون ایشان احساس نمود که واپسین روزهای حیات را می گذرانند، دستور داد تا وی را از ساوه به قم منتقل نمایند. «بی تردید می توان گفت که آن بانوی بزرگ روحی ملهم و آینده نگر داشت و با توجه به آینده قم و محوریتی که بعدها برای این سرزمین پیش می آید؛ محوریتی که آرامگاه ایشان مرکز آن خواهد بود، بدین دیار روی آورد.»<sup>۷</sup>

بلکه باید گفت: مهاجرت اشعریون از یمن و حجاز در سنه ۸۳ ه.ق. به قم و اقامت شان در این دیار، بر انداختن نظام زرتشتی از آن، سپس ترویج تشیع در این سرزمین، همه زمینه ساز پذیرش این ودیعه آل الله (ع) در این دیار بوده است.<sup>۸</sup> الحق و الإنصاف که عاشقان و لایت و بزرگان عرصه علم و دیانت، سنگ تمام نهاده و تا کنون حجّت را بر جنّ و انس در شرق و غرب عالم تمام نموده و با صدور اسلام و انقلاب اسلامی به سراسر دنیا زمینه را برای ظهور قائم آل محمد (صلوات الله علیهم أجمعین) فراهم آورده اند.

پس چه به جا فرموده اند که: «لولا القمیون لضاع الدین»<sup>۹</sup> و با لحاظ ولایت تکوینی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) بر اهل قم، باید إذعان نمود که: «لولا المعصومه، لضاع القمیون» و نتیجه بگیریم که: «لولا المعصومه، لضاع الدین» یعنی: اگر عنایات و توجهات این حضرت به علماء و بزرگان دین و نیز اهالی قم نبود، اقدامی توسط اهل قم صورت نمی گرفت یا تلاش شان راه به جایی نمی برد و اگر تلاش اهل قم نبود دین از دست رفته و به جهانیان تفهیم نشده و زمینه ظهور دولت عدل جهانی فراهم نمی گشت. پس این عنایات و الطاف این کریمه آل الله (س) می باشد که دین را استمرار بخشیده و به جهانیان عرضه نموده است.

به راستی از ولایت تکوینی چه می دانیم؟ سعه تصرف و نفوذ ولی الله تا کجا است؟ چگونه

<sup>۶</sup> محمد بیگی، الیاس، فروغی از کوثر، صص ۲۷ و ۳۴.

<sup>۷</sup> حکیمی، محمد، حضرت معصومه و شهر قم، صص ۴۰-۴۱.

<sup>۸</sup> محمد بیگی، همان، ص ۱۷.

<sup>۹</sup> مجلسی، بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

می توان این مقام را شناسایی نمود؟ از شخصیت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) چه می دانیم؟ چگونه می توان این مقام و رتبه والا را برای ایشان اثبات کرد؟ زیارت عارفانه یعنی چه و چه برکاتی دارد؟ و... و... این نوشتار مختصر در حدّ قاصر خویش عهده دار پاسخ به این سؤالات است که: «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید.»

## راه های شناسایی شخصیت ها و ارتباط با ایشان

هیچ ارتباط و علقه ای بدون شناخت، محقق نمی شود و شدت و ضعف ارتباط نیز وابسته به میزان شناخت می باشد. البته خود ارتباط نیز بر میزان آشنایی و تعمیق ارتباط تأثیر مستقیم می نهد. پس ارتباط و شناخت در تعامل با یکدیگرند. شناخت صوری و شناسنامه ای تنها مفید ارتباط سطحی و ضعیف است، لکن هر چه ارتباط بیش تر گردد، بر روش و منش وی نیز شناسایی حاصل می گردد و هکذا. شناسایی صوری و ارتباط اولیّه با اولیاء الله اختیاری است، لکن «معرفت» به مقام و منزلت ایشان «موهبتی الهی» است که پاداش ارتباط و تکریم اولیّه محسوب می شود. از این جا است که اهمیت زیارت خالصانه و مکرر خود را می نمایاند.<sup>۱۰</sup>

شناسایی شناسنامه ای و حتی شخصیت تاریخی - اجتماعی اولیاء الله به جهت خفقان حاکم بر جوامع شیعی از یک سو و عدم تاریخ نگاری منصفانه و دقیق از سوی دیگر و نیز کتوم بودن خود ایشان، در هاله ای از ابهام و تشکیک قرار می گیرد. یادگار آل طه و یاسین در قم نیز از این امر مستثنی نمی باشد؛ به خصوص که بانوی کرامت به جهت زن بودن، نوع فعالیت های سیاسی، علمی و عبادی خویش را در خفاء به انجام می رسانیده اند! به همین جهت معظم معرفی ایشان در حاشیه تاریخ قم به طور مختصر مندرج گردیده و آن چه به معرفی ایشان اختصاص یافته، پاسخگوی بسیاری از ابهامات پیرامون زندگینامه ایشان نمی باشند.

لیکن ارتباط با ایشان و کسب عنایات و رؤیت کرامات عدیده از ایشان سبب شده که شخصیت ولایی ایشان شهرتی جهانی بیابد و مقام و منزلت ایشان نزد خداوند متعال، بر جهانیان و به خصوص شیعیان مخفی نماند. کثرت مشتاقان و عاشقان ولایت بر گرد مزار شریفش شاهد این مدعا می باشد. این مختصر نیز به بیش از آن چه کتب تاریخی به آن دست یازیده اند، نرسیده، لکن در پی آن است که در مقابل کسانی که «ولایت تکوینی» را مختص معصومین (نبی و وصی) دانسته و آن را از سایر انسان ها حتی امامزادگان صاحب کرامتی مثل حضرت معصومه (س) نفی می نمایند؛ این جایگاه رفیع را برای ایشان با ارائه شواهد و قرائنی چند اثبات نماید. قبل از ورود به مطلب، چکیده ای از سرگذشت و زندگینامه ایشان بیان می گردد.

<sup>۱۰</sup> ر.ک. بنی هاشمی، سید محمد، گوهر قدسی معرفت، صص ۳۸-۴۷ و ۱۲۴-۲۲۰.

## زندگینامه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

ایشان در اوّل ذی القعدة ۱۷۳ه.ق. در مدینه منوره چشم به جهان گشود و «فاطمه» نامیده شد. پدر ایشان «امام موسی کاظم (علیه السلام)» و بنا به شواهد و قرائن تاریخی مادر ایشان، همان مادر امام رضا (علیه السلام) می باشند که برای ایشان نام هایی متعدّد ذکر شده است: خیزران، امّ البنین، نجمه خاتون و ... که به نجمه شهرت داشته اند و پس از تولّد امام رضا (ع) طاهره نیز نامیده شده اند. حضرت معصومه (س) بنا به نقلی دارای ۱۹ برادر و ۱۷ خواهر بوده و فاصله سنّی ایشان با امام رضا (ع) ۲۵ سال است؛ یعنی امام متولّد ۱ ذی القعدة ۱۴۸ه.ق.، همزمان با شروع امامت پدرشان می - باشد. بنابراین حضرت معصومه (س) ۱۰ سال از امامت پدر (که در ۱۸۳ه.ق. توسط هارون در بغداد به شهادت رسیدند) و ۱۸ سال از امامت برادر را درک نموده اند.

تقریباً قطعی است که ایشان ازدواج ننموده اند و برای آن عللی چند ذکر کرده اند، مثل این که: ۱. دختران امام کاظم (ع) از جمله ایشان، از حیث فضائل و کمالات در حدّی بودند که برای ایشان کفوی یافت نمی شد. ۲. خفقان و اختناق حکومت عباسیان به قدری بود که کسی جرأت نزدیک شدن به خاندان نبوت و ازدواج با ایشان را نداشت. ۳. برخی تبعید و زندانی شدن پدر به بغداد و سپس تبعید شدن برادر به مرو و نبود ولیّ نزد ایشان را به عنوان دلیل آورده اند که وجیه نمی باشد، زیرا بین تبعید و شهادت پدر تا تبعید برادر حدود ۱۷ سال فاصله افتاده است. ۴. برخی وصیت پدر را عامل عدم تزویج ایشان آورده اند!! ۵. برخی دیگر نبود امکانات مادی را بهانه ساخته اند و ... روشن است که این همه، توجیهاتی تخمینی و بدون سند هستند که هیچ اعتباری برای این ها نیست؛ اگر چه احتمال اوّل و دوّم بر بقیّه رجحان دارند.<sup>۱۱</sup>

ایشان در طول زندگی کوتاه خویش با محنت های عدیده ای روبرو شدند که همین امر نیز می تواند عامل تجرّد ایشان محسوب گردد، از جمله: گذشته از محنت های عمومی آل هاشم به سبب خفقان و فشار عباسیان و ظلم و جور آن ها، وی در سنین کودکی شاهد دستگیری و تبعید و زندانی شدن پدر بوده و به فراق طولانی ایشان دچار می شوند. بالأخره در سنّ ده سالگی به یتیمی مبتلا و تحت کفالت برادر قرار می گیرند. در سال ۱۹۹ه.ق. سپاهی از بغداد به مدینه اعزام می شود تا شورش علویان را سرکوب نماید. در این درگیری ها اهل مدینه از جمله بیت رسالت مورد تعرّض و غارت سپاه «جلودی» واقع می شود؛ لکن امام رضا (ع) خود زیورآلات و لباس های قیمتی اهل بیت را گرفته و نزد متجاوزان می افکنند و ظلمه را از تعرّض به زنان باز می - دارند؛ اما همین مقاومت، زمینه ساز تبعید ایشان از مدینه به مرو در سال بعد (۲۰۰ه.ق.) می -

<sup>۱۱</sup> ر.ک. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت معصومه، فاطمه دوّم، صص ۱۰۹-۱۱۷ و نیز: هاشم، ابوالحسن، سیده عشاء آل محمد، صص ۱۷-۴۸ و ...

شود.<sup>۱۲</sup>

در ۲۰۱ ه.ق. تصمیم بر آن می شود که برای رسوایی دستگاه حکومت، همهٔ خاندان امامت در قالب دو کاروان مجزاً یکی از راه بصره و شیراز و دیگری از راه کوفه و ساوه راهی مرو شوند و خود را به امام رضا (ع) برسانند. پس به سان برادر مهاجر اِلی الله شده و قدم در راهی بدون بازگشت می نهند! کاروان بصره - شیراز، در شیراز به قهر عوانی مأمونی دچار و تار و مار می - شوند و مردان کاروان کوفه - ساوه در حوالی ساوه همه به شهادت رسیده و کاروان از هم می - باشد!!

## علت مهاجرت و دفن در قم

قبل از ولادت امام موسی کاظم، امام صادق (علیهما السلام) به اهل ری مژده دادند که: «... إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدٌ قَمٌ وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا إِمْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةً، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ ... هَمَانَا بِرَأْيِ مَا حَرَمِي اسْتِ كِه سِرْزَمِين قَم بَاشْدُو دَر آيِنْدِه زَنِي اَز فِرْزَنْدَان مَن بِه نَام فَاطِمَه دَر آن دَفْن مِي گِرْدَد، پَس هَر آن كِه او رَا زِيَارْت نَمَايِد، بَهْشْت بَرَايِش لَازِم گِرْدَد.»<sup>۱۳</sup>

با توجه به این روایت و روایات مشابه معلوم می شود که این مهاجرت و این آرمیدن در دامان سرزمین قم از سر قدر و از مکنونات علم غیبی بوده که باید به انجام می رسیده تا برکات آن شامل این سرزمین و اهل آن گردد. بنا به نقلی پس از مضمحل شدن کاروان، خود حضرت معصومه (س) نیز به دست آیدای ظلمه مسموم شدند. چون آثار مسمومیت و مرگ تدریجی نمایان شد، حضرت از اطرافیان تقاضا نمودند تا وی را به قم منتقل نمایند.

این تقاضا می تواند برخاسته از سفارش و وصیت جد و پدر به ایشان و نیز علم غیبی به مصلحت دفن ایشان در سرزمین قم و توجه به حضور موالیان شیعی در قم از ۸۳ ه.ق. تا بدان زمان باشد. به هر حال این فاصله ده فرسخی طی شد. خبر به اهل قم رسید و اشعریون قمی به استقبال وی شتافته و موسی بن خزرج اشعری در ۱۷ روز اقامت وی در قم، به گرمی از ایشان پذیرایی نمود، تا این که حضرت به دیدار حق شتافت و شیفتگان ولایت را داغدار خویش کرد.

در هنگام دفن ایشان، بر سر این که چه کسی وی را دفن نماید، اختلاف افتاد و بالاخره تصمیم بر آن شد تا پیرمردی عابد و زاهد و متقی وی را به خاک بسپارد. ناگهان دیدند دو سوار از راه رسیده، بر پیکر مطهر نماز نهاده، وی را به خاک سپرده و بدون این که با کسی سخنی بگویند از آن جا دور شدند. در تعداد کاروانیان اول و دوم و وقایع راه و ریز جزئیات درگیری با معاندان و سرانجام بقیه و نیز این که آن دو نفر که ایشان را به خاک سپرده اند، چه کسانی بوده

<sup>۱۲</sup> ر.ک. قمی، شیخ عباس، تنمۃ المتهی، صص ۲۵۲-۲۵۳ و نیز: هاشم، ابوالحسن، همان، صص ۵۱-۶۲ و ...

<sup>۱۳</sup> بحار، ج ۶۰، صص ۲۱۶-۲۱۷.



اند، اختلافات بسیار است و سند محکم تاریخی در دست نمی باشد. لکن از آن جا که معصوم را باید معصوم به خاک سپارد و زن را محارمش، به احتمال قوی آن دو سوار امام رضا (ع) با یکی دیگر از برادران ایشان بوده اند. والله أعلم<sup>۱۴</sup>

### حقیقت ولایت تکوینی اولیاء الله

«مقصود از ولایت تکوینی این است که انسان در اثر پیمودن صراط عبودیت به مقام قرب الٰهی نائل می گردد و اثر وصول به مقام قرب - البته در مراحل عالی آن - این است که «معنویت انسانی» که خود حقیقت و واقعیتی است، در وی متمرکز می شود و با داشتن آن معنویت، قافله سالار معنویات، «مسلط بر ضمائر و شاهد بر اعمال و حجت زمان» می شود. ... ولایت به این معنا غیر از نبوت و غیر از خلافت و غیر از وصایت و غیر از امامت به معنای مرجعیت در احکام دینی است. ...

از نظر توحیدی وجود وسائط و نسبت دادن تدبیر امور به غیر خداوند به طوری که مدبران، مجریان اوامر و اراده پروردگارانند، مانعی ندارد. ... ولایت تصرف شأن بنده ای است که از هواجس نفسانی به کلی پاک شده است. این قدرت، قدرتی نیست که به اصطلاح به دلخواه و تابع هوی و میل خود سر یک انسان باشد. اساساً انسانی که هنوز محکوم هوس ها و میل های خودسر است، از چنین کرامت هایی محروم است.

انسانی که تا آن حد پاک باشد، اراده اش از مبادی و مقدماتی که اراده ما را منبعث می کند، هرگز منبعث نمی شود. اینبعث اراده اش با تحریکی درونی و اشاره ای غیبی است و اما این که این تحریک و اشاره به چه نحو است و چگونه است؟ ما نمی دانیم و لهذا چنین کسان:

گهی بر طارم اعلی نشینند و گهی تا پشت پای خود نبینند

... قبول ولایت به این معنا اندکی دشوار است. باور کردنش خالی از صعوبت نیست. مخصوصاً طبقه روشنفکران ما چندان از طرح چنین مسائلی خرسند نیستند. ... در این گونه مسائل که احياناً بر فهم ما گران می آید، اگر ما خود را تخطئه نکنیم به حقیقت نزدیک تر است تا این که انکار نماییم.<sup>۱۵</sup>

<sup>۱۴</sup> ر.ک. بحار، ج ۶۰، صص ۲۱۹-۲۲۱ و ...

<sup>۱۵</sup> مطهری، مرتضی، ولاء ها و ولایت ها، صص ۶۰-۸۰ نیز ر.ک. همان، صص ۷۰-۸۶ و نیز: صدر، محمد باقر، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ت: جمال موسوی، صص ۶-۱۸.

نکته شایان توجه این است که بر خلاف برخی پندارها، راه وصول به قرب الهی و دست یابی به ولایت تکوینی مختص به مردان نمی باشد. همان گونه که قرآن کریم معجزات و کراماتی را به انبیاء عظام نسبت می دهد، به حضرت مریم (س) نیز کراماتی را مثل: خوردن از میوه های تازه و عالی در غیر فصل آن، بار داری از راه اعجاز و بدون همسر، جاری شدن آب در زیر پایش و رویش خرمای تازه از درخت خشکیده بالای سرش، سخن گفتن نوزادش در گاهواره و ... را نسبت می دهد و او را معصوم و برگزیده معرفی می نماید.<sup>۱۶</sup> چنان چه ساره (س) نیز به سان همسرش ملائکه را رؤیت و از بشارت ایشان متعجب می گردد.<sup>۱۷</sup> در مورد عصمت و کرامت - های عدیده حضرت زهراء (س) نیز آن قدر روایت ها و اشارت هایی رسیده که جای شبهه ای در ولایت تکوینی ایشان باقی نمانده است.<sup>۱۸</sup>

اهل عرفان از جمله آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) معتقدند که زن در زمینه عرفان می تواند از مرد موفق تر باشد؛ ایشان در این زمینه می نویسند:

«راه های ترقی و تعالی انسان متفاوت است، یکی راه فکر و دیگری راه ذکر است و زنان در راه ذکر و مناجات که راه دل است و راه عاطفه و شور و علاقه و محبت است، اگر موفق تر از مردها نباشند، یقیناً همتای مردها هستند و آن راه راه اساسی است؛ اما راه فکر راه فرعی است، زیرا که راه فکر گسترده و همه گیر نیست. بسیاری از افراد جامعه هستند که اگر چه شهر نشینند، اما توفیق فراگیری درس و بحث را نداشته و ندارند، اما راه موعظه و راه دل و مناجات برای همه باز است.»<sup>۱۹</sup>

«درس عرفان درس محبت است، در حالی که این درس محبت برای افراد خشن و زورمند و زورآزمای کارآمد نیست. این جا دل شکسته و تن خسته می - خرنند و اگر کسی توانست رقت قلب بیش تری تحصیل کند، سخن دوست در او بیش تر اثر می گذارد. در این مقام نمی توان گفت چون وزن مغز زن یا حجم مغز زن کمتر است، او در راه سیر و سلوک یا در راه کمال انسانی و دیگر طرق الهی عقب افتاده تر از مرد است.»

<sup>۱۶</sup> آل عمران ۴۲/۳ و ۳۷؛ مریم / ۲۴-۲۵ و ...

<sup>۱۷</sup> هود ۱۱/۶۹-۷۳.

<sup>۱۸</sup> رک. حسن زاده، حسن، فص حکمه عصمتیه فی کلمه فاطمیه و ...

<sup>۱۹</sup> جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، صص ۱۹۷-۱۹۸؛ و نیز رک. همان، ۱۸۷-۱۹۷ و ۷۷-۱۰۶ و ۲۲۴-۲۳۵ و ...

راه دل اگر قوی تر از راه عقل نباشد، همتای او است و راه دل انکسار، رقت، محبت، عاطفه، گرایش می طلبد. آن کسی که دیرتر می گرید و می گریاند، او در کلاس محبت کمتر موفق می شود و آن کسی که اهل گریه است، رقیق القلب است، اگر بتواند عاطفه حیوانی را از محبت انسانی جدا کند و به مرز محبت راه پیدا کند، ... آن گاه راه برای او در کلاس محبت باز است. ... به طور طبیعی اگر محب و محبوب شدن خلق و حق برای صنف زنان بهتر از مردها میسر نباشد، کمتر از آن ها نیست. بنابراین همان گونه که جامعه به قهر نیازمند است، به مهر نیز محتاج است و آن طوری که جامعه با محبت و نرمش پیشرفت می کند، با تندی و خشونت پیشرفت نمی کند.<sup>۲۰</sup>

### شواهد ولایت تکوینی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

چنان که اشاره شد هدف این نوشتار ارائه شواهد و قرائنی بر مرتبت ایشان و جایگاه ولایت تکوینی ایشان در نظام آفرینش می باشد. آن چه در ذیل می آید مشتق از خروار و نمونه هایی از اموری است که دلالت بر هدایت خاص و ولایت تکوینی ایشان می نمایند.

#### خصائصی که برای ایشان در روایات آمده

۱. انتساب صریح به خاندان نبوت و ولایت: بنت رسول الله، بنت امیر المؤمنین، بنت فاطمه و خدیجه، بنت ولی الله، أخت ولی الله، عمه ولی الله و ...

۲. القاب و اوصافی که از سوی معصوم به ایشان داده شده و هر یک بیانگر بُعدی از ابعاد شخصیت ملکوتی ایشان می باشد:

الف) معصومه: امام رضا (ع): «من زار المعصومه بقم کمن زارنی؛ هر کس معصومه را در قم زیارت نماید، به سان آن است که مرا زیارت نموده باشد.»<sup>۲۱</sup> آیت الله بهاء الدینی (ره) می فرماید: «مرحله اول اخلاق اسلامی تهذیب نفس خود است، که انسان به واسطه آن آتش را از خود دور می کند. آن گاه نوبت به تدبیر منزل می رسد و مرحله سوم تهذیب: اداره و تطهیر جامعه و دور کردن آن از آتش است. انسان کامل کسی است که این سه مرحله را طی کند. ... انسان که خلیفه الله است دارای مقام عصمت است، عصمت مطلق و طهارت تام.»

<sup>۲۰</sup> جوادی، همان، ۲۲۲-۲۲۳.

<sup>۲۱</sup> ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸؛ و نیز ریاحین الشریعه، ج ۵، ص ۳۵؛ منقول از اشتهازی، همان، ص ۱۲۷.

هیچ گونه شرک جلیّ و خفیّ در انسان کامل وجود ندارد و در تمام شوون معصوم است. ... انسان کامل و خلیفه الله کسی است که با هدایت خاصّ و دستور خدای تعالی جوامع بشری را به خیر و صلاح و ابدیّت و انسانیت و صدق و صفا دعوت می کند؛ لکن بشر جاهل همه امکانات مادی و معنوی خود را علیه او بسیج می کند. ... کسی می تواند بشریّت را اصلاح کند، که خودش صالح و پاک باشد.<sup>۲۲</sup>

ب) شفیعۀ روز قیامت: امام صادق (ع): «... إسمها فاطمة بنت موسی و تدخل بشفاعتها شیعیی الجنّة بأجمعهم؛ فمن زارها فله الجنّة؛ ... نام وی فاطمه دختر موسی (علیها السلام) است و با شفاعت وی همه شیعیان من داخل بهشت می شوند؛ پس هر کس وی را زیارت نماید، برای وی بهشت باشد.»<sup>۲۳</sup> روشن است تنها کسانی در قیامت صاحب شفاعت می باشند که شایستگی لازم، از جمله: وجاهت و قرب در پیشگاه إله؛ از روی علم و یقین به شایستگی فرد، شفاعت نمودن؛ به حقّ و بجا شفاعت نمودن؛ قبول شفاعت از سوی إله و ...<sup>۲۴</sup> چنان که در زیارت ها و دعای توسّل تکرار و تأکید می شود که «یا وجیهاً عند الله إشفع لنا عند الله».

از همین رو است که در زیارت ایشان نیز قبل از تقاضای شفاعت از ایشان با تعبیر «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنّة، فإنّ لک عند الله شأن من الشّان» تأکید می شود که: «عرّف الله بیننا و بینکم فی الجنّة»، زیرا زیارت و ارتباط در دنیا، مقدّمه شناخت طرفینی و این شناخت از شرائط و لوازم شفاعت در قیامت می باشد.

ج) کریمه اهل البیت: وقتی پدر آیت الله مرعشی در خواب از حضرت امیر (ع) تقاضا می نماید که قبر مخفی حضرت زهراء (س) را بنمایاند. ایشان بنا به وصیّت ایشان، امتناع نموده و فرموده اند: «علیک بکریمه اهل البیت بقم»<sup>۲۵</sup>

«کرامت از اوصاف برجسته فرشتگان است؛ فرشته مکرم است. کریم غیر از کبیر و عظیم و محترم است. ظاهراً ... در فارسی لفظی نداریم که کریم و کرامت را معنا کند. ... آن وصف ممتاز و برجسته ای است که اگر ما بخواهیم آن را تبیین کنیم، ناچاریم از چند کلمه استفاده کنیم تا آن را بیان کنیم. ... تقوی محور کرامت است. ... انسان کریم گناه نمی کند برای این که با کرامت او سازگار نیست، نه

<sup>۲۲</sup> اسدی، اکبر، نردبان آسمان، صص ۲۵۳-۲۵۶.

<sup>۲۳</sup> بحار، ج ۶۰، صص ۲۲۸ و ۲۱۷.

<sup>۲۴</sup> ر.ک. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقائد، ج ۳، درس ۵۹ و ۶۰ و نیز: هاشم، ابو الحسن، همان، صص ۸۹-۱۰۰ و ...

<sup>۲۵</sup> ر.ک. اشتهااردی، همان، ص ۱۳۹.

برای این که جهنم می رود و نه برای این که بهشت برود، بلکه چون انسان است گناه نمی کند.<sup>۲۶</sup>

بنابراین: کریمه بانویی با تقوی، بلند همت، دارای مناعت طبع، عابد و زاهد است که به امید بهشت یا ترس از جهنم عبادت ننموده و به امید جبران عطا ننماید و با بزرگواری از لغزش ها می گذرد، بیش از تقاضا و بلکه قبل از تقاضا عطا نماید و زائر را با کراماتش متعجب و جذب می کند.

(د) محدثه عالمه: حدود پنج روایت در کتب روائی از حضرت معصومه (س) نقل گردیده که همه متضمن محتوایی ولای و اثبات ولایت بلافصل امام علی (علیه السلام) پس از رسول الله (ص) و منزلت شیعه و پیروان ولایت، نزد خداوند متعال می باشند.<sup>۲۷</sup>

(ر) فداها أبوها: چنان که در موارد متعدّد پیامبر اکرم (ص) به دخترش (س) فرمودند: «فداها أبوها»؛ همین بیان را امام موسی کاظم (علیه السلام) به فاطمه خود (س) فرمودند. یک عده به منزل ایشان مراجعه و تقاضای پاسخ به برخی سؤالات را داشتند، امام (ع) در منزل نبودند، حضرت معصومه (س) سؤالات را گرفته و در همان سن خردسالی (۸-۱۰: سن ایشان موقع شهادت پدر!!) پاسخ ها را تحویل دادند. در مراجعت، امام (ع) را ملاقات و جریان را بیان داشتند؛ امام سؤالات و پاسخ ها را ملاحظه نموده و سه بار فرمودند: «فداها أبوها؛ پدرش به قربانش برود.»<sup>۲۸</sup> این جریان علاوه بر بیان ارج و قرب این دختر خردسال نزد پدر معصوم خویش، دلالت بر محدثه و عالمه بودن ایشان نیز می نماید.

برای ایشان القاب دیگری مثل: «الطاهرة؛ الحمیده؛ البره؛ الرشیده؛ التقیه، التقیه؛ الرضیه؛ المرضیه و ...» نیز ذکر شده همه دلالت بر پاکی و نجابت و درایت و علم و فهم بالای ایشان و بالتبع قابلیت ایشان برای وصول به مقام ولایت تکوینی دارد؛ به خصوص که در اغلب موارد این گونه اوصاف به معصومین نسبت داده شده اند.<sup>۲۹</sup>

(۳) توصیه به زیارت ایشان توسط چند معصوم و ورود زیارت نامه برای وی، نیز ترتب ثواب بهشت بر زیارت عارفانه این مکرّمه. تا آن جا که زیارت ایشان هم ردیف برادر معصوم ایشان، امام رضا (علیه السلام) قرار داده شده است. چنان که در مورد الف، شماره دو گذشت.

گویا امام فرموده باشند: من کیم لیلی و لیلی کیست من ما یکی روحیم اندر دو بدن

<sup>۲۶</sup> جوادی آملی، عبد الله، اسرار عبادت، صص ۸۱-۸۲ و نیز: همان، ۱۲۲-۱۲۳ و ص ۴۳ و نیز: همو، کرامت در قرآن.

<sup>۲۷</sup> ر.ک. اشتهازی، همان، صص ۱۳۴-۱۳۸ و نیز: هاشم، أبوالحسن، همان، صص ۱۱۰-۱۰۳ و ...

<sup>۲۸</sup> ر.ک. اشتهازی، همان، صص ۱۳۳-۱۳۴.

<sup>۲۹</sup> اشتهازی، همان، ص ۱۴۲.

داند آن چشمی که آن دل روشنی است در میان لیلی و من فرق نیست

۴) سیطره معنوی بر قلوب و نیات زائران و بروز و ظهور کرامات و معجزات فراوان از

ایشان:

«تدین به یکی از ادیان آسمانی ملازم با قبول و ایمان به خرق عادت و معجزه است. ... معجزه جز مظهري از ولایت تصرف و ولایت تکوینی نیست. ... معجزه بدان جهت صورت می گیرد که به صاحب آن از طرف خداوند نوعی اراده و قدرت داده شده که می تواند به اذن و امر پروردگار در کائنات تصرف کند، عصایی را ازدها نماید، کوری را بینا سازد و حتی مرده ای را زنده کند، از نهان آگاه سازد.

این قدرت و آگاهی برای او تنها از طریق پیمودن صراط قرب و نزدیک شدن به کانون هستی پیدا می شود و ولایت تصرف جز این نیست، ... البته با اذن و رخصت ذات احدیت. بدیهی است که اذن ذات احدیت از نوع اذن اعتباری و انسانی نیست که با لفظ و یا اشاره [باشد]... اذن پروردگار همان اعطاء نوعی نوعی کمال است که منشأ چنین اثری می گردد و اگر خداوند نخواهد آن کمال را از او می گیرد.»<sup>۳۰</sup>

از آن جا که ولی الله در حکمت و مصلحت نیز مظهر اسماء الهی است و از قید هوی و هوس و لغو و لهو رسته است، هیچ گاه از این نیرو در راه خلاف مصلحت و مشیت تکوینی و تشریحی الهی یا در امور بی فایده و بی مورد استفاده نمی کند. پس اعمال آن نیز حکیمانه و خدا - پسندانه می باشد نه بی حساب و کتاب.

۵) کثرت زوار در پی کثرت دریافت عنایات و کرامات و وجود بارگاه و دستگاه بر مزار

ایشان: دکتر عباس فیض در عین این که در معظم بخش های کتاب خویش: «گنجینه آثار قم» به شرح تاریخ ابنیه و بقاع و مناره های حرم مطهر و نیز سایر بقاع امامزادگان مدفون در قم پرداخته - اند؛ اذعان می نمایند که:

«در این تمجید تحقیر آمیز! هر گاه مقصود آن باشد که به مرور، در اثر توسعه بیوتات و تذهیب (طلاکاری) قبه و بارگاه و تزیین ایوان و روضه و ازدیاد شکوه و جلال ظاهری، آن حضرت (س) پس از رحلت جهان افروزتر شده است، این تجلیل دون شأن او است و ما معتقدیم که مزیت فاطمه (س) و نورانیتش به واسطه همان

<sup>۳۰</sup> مطهری، ولاء ها و ولایت ها، ص ۹۷-۹۹.

نصوصه منقوله از امام (ع) است و از همین نصوص بر می آید که فاطمه (س) مظهر ملکات فاضله ملکوتی و مجسمه خصائل ممتاز انسانی و واسله به مدارج قرب حق بوده است و این تشریفات ظاهریه در مدارج کمال معنوی وی تأثیری نداشته و از این شکوه و جلال ظاهری چیزی بر او افزوده نشده است.

چنان که اگر نبودند چیزی از او کاسته نمی شد و تربت فاطمه زیر سایبان بوریایی با تربتش زیر قبه طلایی تفاوتی نکرده است و در هر حال وجود فاطمه (س) مجموعه انوار جهان تاب و جهان افروز بوده است؛ اما نمی توان انکار کرد که

این ابنیه شکوهمند برای جلب مردم ظاهر بین زیاد مؤثر بوده است.<sup>۳۱</sup>

شکی نیست که حفظ و تجلیل از میراث فرهنگی - هنری کشور، به خصوص وقتی در خدمت دین و تدین واقع شده، امری شایسته و بایسته است. لکن چنان که اشاره شد نباید این امور ظاهری را «علت» رفعت شخص مدفون در آن بقعه به حساب آورد؛ بلکه باید آن را به حساب «دلیل» نهاد. یعنی اگر مردم کرامت و عنایتی دریافت نمی داشتند، نذور خود به این بقاع را نپرداخته و این بقاع پیشرفت این چینی نمی نمود. اگر گاه حکام وقت مثل شاهان قاجار نیز پشتوانه لازم را متقبل می شدند، به جهت بهره گیری از اعتقادات خالصانه مردم و عوام فریبی بوده است؛ لکن آن مقدار هرگز کافی نبوده تا این همه شوکت ظاهری نمود بیابد.

چنان که آن هنرمند ماهر اگر دل در گرو عشق آل طه و یس (ع) نمی داشت، هرگز به خلق چنین آثار إعجاب برانگیزی و اگر چه در قبال دستمزد کلان، اقدام نمی کرد، به خصوص در زمان های قدیم که خلق این آثار بسی صعب و زمانبر بوده اند. اما آن که تنها در پی این جذبیه های ظاهری متوجه این بقاع گردد باید بداند که:

عشق هایی کز پی رنگی بود      عشق نبود عاقبت ننگی بود

اگر چه إذعان داریم که همین مقدار نیز بی اثر نیست و کریمه نهفته در این وادی (س) دستگیر نیات و مشکلات وی نیز خواهد شد و اگر قابلیت بیابد ممکن است تحت هدایت تکوینی خویش، به عشق واقعی نیز وی را رهنمون سازد.

بوی گل راهنما گشت به بلبل ز نخست      ورنه بلبل چه خبر داشت که گلزار کجا است؟! نیز: موسی (ع) به سعی خود بُرد ره به کوی دوست      تا شعله سر ز وادی ایمن نمی کشید! به هر حال نباید آن قدر به زرق و برق و آینه کاری حرم ها و ... پرداخته و توجه شود که زائر به جای دقت در مضامین ادعیه و زیارات، غرق تماشای این جلوه های تجملی دنیوی که گاه با اسراف و إفراط همراه شده اند بشود!! نه آن تفریط سلفی ها که هر گونه بقعه سازی و

<sup>۳۱</sup> فیض، عباس، گنجینه آثار قم، ص ۳۷۸-۳۷۹.

زیارت را بدعت و حرام می شمارند و نه این افراط ها که سبب دل مشغولی بیش از حد زائران می گردد!! پس:

دل از اغیار خالی کن چو قصد کوی ما داری نظر بر غیر مگشا چون هوای روی ما داری!

#### ۵) صدور کرامات و معجزات عدیده از ایشان

اگر چه کرامات معدودی از ایشان به ثبت رسیده و به رشته تحریر درآمده و با عنوان «کرامات معصومیّه» توسط آستانه مقدسه منتشر شده اند؛ لکن باید گفت کمتر زائری است که عنایات و الطاف این بانوی کرامت را تجربه نکرده باشد. در عین این که عنایت و توجه اُطاف کریمانه ایشان کلّ اهل قم و به خصوص اهل علم را تحت پوشش خود دارد و بلایا و مصائب عدیده را از این سرزمین دور داشته است.

یک چشم زدن غافل از آن ماه نباشید شاید که نگاهی کند آگاه نباشید زیرا:

صاحب‌دلان که رسم سخاوت نهاده اند بی انتظار، هر چه بگفتند داده اند اما متأسفانه:

خدایا زاهد از تو حور می خواهد، قصورش بین؛ به جنت می گریزد از دردت یا رب شعورش بین لکن: کسی لاف وفاداری زند با دلربای خویش؛ که خود را بهر او خواهد، نه او را از برای خویش نوع زائران با معرفت قاصر خویش تنها به امید رفع مصائب و مشکلات و تنگناها و... راهی زیارت و ورود بر خوان گسترده کریمه آل الله می شوند و در نهایت به امید شفاعت در عقبی و کسب بهشت سراغ این عطیه الهی را می گیرند؛ در حالی که بدون طلب نیز همه رهین الطاف این کریمه بوده و زیارت ایشان علاوه بر ایفاء وظیفه توی و تبری، شاید گوشه ای از دیون این کانال های فیض رب العالمین را آداء نماید.

در دیاری که تویی بودنم آن جا کافی است آرزوی دگرم غایت بی انصافی است زیرا:

لب ساقی مرا هم نقل و هم جام است و هم باده مدامم از لب ساقی بود اسباب آماده

کمتر زائری یافت می شود که به سان آیت الله مرعشی نجفی در طول ۶۰ سال هر روز بی هیچ منت و چشم داشتی اولین زائر حریم آل رسول (س) باشد. آیت الله اشتهاردی در مورد ایشان می نویسد: «یکبار خودم دیدم که آن بزرگوار، صبح قبل از اذان، عبا را بر سر افکنده و پشت در صحن ... با کمال تواضع در انتظار آمدن خدام برای باز کردن در می نشست؛ گویی شخص نیازمند دردمندی به در خانه حضرت معصومه (علیها السلام) پناهنده شده باشد. ...»<sup>۳۲</sup>

وا اسفا اگر کسی بخواهد با این رفت و آمدهای بی بو و بخار عادی بخواهد بر حضرتش منت نهد و خود را طلبکار شفاعت یا رفع حوائجش محسوب نماید!! پس در صورت تأخیر و ...

<sup>۳۲</sup> اشتهاردی همان، ص ۱۴ و نیز رک. همان، ص ۱۴۰ پاورقی.



لب به گلایه و شکوه باز کند. در حالی که آن که محتاج این ارتباط و این تولا است، خود زائر قاصر و ضعیف است؛ نه آن وارسته به خداوند رسیده که مأوای ملکوتی خویش را کسب و در آستان ربوبی با کمال یقین و اطمینان به سکون و آرامش رسیده است. پس آن که با جهالت از این خوان کرامت روی گرداند، خود را دچار خسران نموده، نه اولیاء الله را تحقیر!! چه به جا فرموده اند که:

هر که گریزد ز خرابات شاه بارکش غول بیابان شود

در نتیجه اگر چه از سیره عملی و یا دستور العمل های ایشان و حتی محتوای مناجات ها و راز و نیازهای شان با ربّ العالمین و ... چیزی به ما منتقل نشده و تنها حرکت تاریخی ایشان از مدینه تا قم به ثبت رسیده است، لکن با توجه به مطالب فوق عصمت و بالتبع انسان کامل و خلیفه الله بودن وی اثبات می گردد. البتّه این بدان معنا نیست که مرتبت ایشان حتماً در همان مرتبت ائمه (علیهم السلام) باشد؛ زیرا این رتبه تشکیکی می باشد و همین امر سبب سعه و ضیق تصرف ایشان در عالم می گردد. چنان که قرآن کریم نیز در مورد انبیاء عظام می فرماید: «فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» (بقره ۲/۲۵۳ و نیز: اِسْرَاءُ ۱۷/۵۵)

توضیح این که: انسان در راه تعالی و قرب به خداوند دارای سیر بی نهایتی است که با آن سیر به شکل دهی خود می پردازد و در هر مرحله جلوه گر اسمی از اسماء الله می شود و در همان مرتبه نیز ظهور آن از وی دارای شدت و ضعف است. پس همان مراتب طولیه نیز دارای عرض عریضی است و همه رهروان یکسان نمی باشند. تشخیص این که فلان رهرو و فلان ولیّ در کدام مرتبه است بسی دشوار است؛ در حالی که در برخی نموده‌ها مثل علم غیبی و بروز معجزات و کرامات تا حدودی همه مشترک می باشند.

لکن این قدر مسلم است که نهایت سیری که برای یک انسان متصور است از آن خاتم الانبیاء (ص) و ائمه (ع) می باشد؛ لکن در مورد رتبه سایر انبیاء و اوصیاء و اولیاء به راحتی نمی توان قضاوتی داشت. به هر حال سیطره ولیّ بر ماسواه تابع مرتبه وجودی وی است. هر چه مرتبه وجودی وی سعه بیش تری داشته باشد، قدرت تصرف وی نیز افزون تر می باشد.

به همین جهت آن چه در آن شکی نیست این است که پدر و برادر معصوم شان بر شخص وی نیز ولایت داشته، و حضرت (س) مطیع و منقاد محض ایشان بوده و با جان و دل ولایت پدر و برادر را پذیرا بوده اند. امام علی (علیه السلام) چه نیکو فرمایند که: «إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ، إِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛ معرفت ما بسی دشوار است؛ مگر عبد مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده توان تحمل آن را ندارد.» نیز همان جا فرمایند: «و لا یعی حدیثنا إلا صدور امینه و أحلام رزینة؛ حدیث ما را مگر سینه های امانت پذیر و خرد های استوار

نگه نمی دارد.»<sup>۳۳</sup> امید آن که لطفش بار دگر مدد رساند و این وجیزه مؤثر واقع شود تا بیش از این به سان کبوتران زبان بسته حرم، تنها به امید آب و دانه گرد مطاف حریمش در چرخش نباشیم.

## حکمت زیارت

زیارت نزد شیعه به عنوان یک شعار و یک فرهنگ مطرح است و شیعه با آن شناسایی می شود.<sup>۳۴</sup> اگر دیگران نیز گهگاه زیارت نمایند، این شاخصه آن ها محسوب نمی گردد. بلکه گروهی به سان سلفی های افراطی آن را خروج از توحید و مستلزم شرک و کفر قلمداد می کنند و برخی ابلهان آن را به تمسخر و ریشخند می گیرند و گاه آن را با مرده پرستی همطراز می شمارند!! اما شیعه با اقتداء به موالی خویش اعتنایی به این یاوه ها و خصومت نداشته و علی رغم همه فشار و تهدیدها و مشکلات این میراث گرانمایه را با خود حفظ نموده و هر روز بر کمیّت و کیفیت آن می افزاید. این رشد بالنده زیارات مرهون عنایات اولیاء الله صاحب مزار (خود مزور) از یکسو و تأکیدات موالی دین و علماء عظام از سوی دیگر و عشق و وله فطری ارتباط با کاملان برای کامل شدن در نهاد هر انسانی از سوی سوّم است.

شیعه بنا به کرائم قرآنی<sup>۳۵</sup> و نیز بنا به روایات عدیده،<sup>۳۶</sup> وجود برزخی اولیاء الله را مرده ای بی تحرک و بی اراده نمی شمارد که هیچ در کی از پیرامون خود و احوال زندگان نداشته و فاقد هر گونه فعالیت باشند؛ بلکه ایشان را زندگانی می شناسد که با رهایی از قفس تن و خفقان دنیوی با سعه وجودی خویش قدرت درک و فعالیت مضاعفی را پس از مرگ دریافت نموده اند؛ پس مناسک زیارتی وی پوچ و بیهوده نیست تا مضحکه و ملعبه دیگران شود. چنان چه ایشان را مألوه و معبود یا مستقل در فعل کرامت و معجزه یا شفاعت نمی انگارد تا با زیارت از توحید، خارج و متهم به شرک و کفر گردد. در منظر شیعه این ها تنها وسائط فیض اند که با اذن إله جلوه حق و کانال اعمال فیض و قدرت نمایی حق تعالی شده اند و بس.

به راستی سرّ این همه تأکید بر زیارت قبور و به خصوص ارتباط با مزار اولیاء الله برای چیست؟ مگر شیعه در این مناسک چه چیزی یافته که علی رغم همه طعنه ها و تهدیدات و جان باختن ها، باز هم مشتاقانه و سر از پا نشناخته به این اماکن مقدسه گام می نهد؟ ترتّب این همه ثواب و ترغیب بر استمرار زیارت از چه جهت است؟! و ... و...؟؟؟ باید گفت: زیارت علاوه بر

<sup>۳۳</sup> نهج البلاغه، خ ۲۱۳.

<sup>۳۴</sup> جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، به خصوص باب اول، صص ۱۷-۲۱؛ نیز بحار، جلد ۱۰۱ و ۱۰۲ و ...

<sup>۳۵</sup> بقره ۱۵۴/۲ و آل عمران ۱۶۹/۳ و ...

<sup>۳۶</sup> پاورقی ۳۴.

تأسی به اولیاء الله و زیارت قبور توسط ایشان دارای علل و اسباب ذیل نیز می باشد:

### ۱. عشق فطری به پاکی و پاکان

یکی از ودائع الهی در نهاد و سرشت هر بشری عشق به کمال و زیبایی است. عشق به کمال و زیبایی جلوه ای از عشق به خداوند متعال و تنفر از پلیدی ها جلوه ای از اجتناب از طاغوت می باشد. بنابر این جذب به یک پاک و به یک کامل در واقع جذب و توجه به خالق آن است. عشق به پاکان و تنفر از پلیدی ها مستتبع همرنگی با ایشان و پاک و کامل شدن خود زائر می باشد.

### ۲. أداء مزد رسالت

هیچ یک از انبیاء عظام از مردم در قبال أداء رسالت و تبلیغ اجر و مزدی طلب نمودند؛ لکن نبی خاتم به جهت ختم نبوت و لزوم استمرار با خاندان نبوت، «مودت فی القربی» را به عنوان مزد رسالت مطرح نمودند تا ضامن بقاء دین از یک سو و تعالی بشریت از سوی دیگر باشد: «قل ما أسئلكم من أجر إلا من شاء أن يتخذ إلى ربّه سیلاً؛ بگو من از شما مزدی نمی خواهم مگر این که هر که بخواهد راهی به سوی پروردگارش در پیش گیرد.» (فرقان ۵۷/۲۵)

سپس این راه را این گونه تفسیر می نماید: «قل لأستلکم علیه أجراً إلا المودة فی القربی و من یقترف حسنة نزد له فیها حسناً إن الله غفور شکور؛ بگو: من از شما مگر مودت با خاندان نزدیکم مزدی را نمی طلبم و هر آن که نیکویی در پیش گیرد، خداوند بر نیکی اش بیفزاید که خداوند آمرزشگر و شاکر است.» (شوری ۲۳/۴۲) روشن است که زیارت و بزرگداشت موالید و عزاهای اقرباء پیامبر (علیهم السلام) در حیات و ممات، از مهم ترین مصادیق ابراز مودت به ایشان می باشد که خود به خود مستتبع همرنگی و اطاعت از ایشان نیز می باشد.

### ۳. أداء حق ولایت و امامت

امام رضا (علیه السلام) فرمایند: «أن لكلّ إمام عهداً فی عنق أولیائه و شیعته و إن من تمام الوفاء بالعهد زیارة قبورهم؛ همانا برای هر امامی عهدی بر گردن دوستداران و شیعیانش می باشد و همانا از جمله اموری که این عهد را تمام می نماید، زیارت قبور ایشان است.»<sup>۳۷</sup> زیارت قبور اولیاء الله اولین گام أداء سایر حقوق مثل إطاعت، تبلیغ دین و مرام ایشان، دفاع از حریم تشیع و کیان امامت و... می باشد.

### ۴. شکر نعمت ولایت و نیز نعمت مجاورت و بهره مندی از برکات ولایت تکوینی ایشان

شکر منعم نیز یکی از مطالبات فطری بشر می باشد. شکر بایسته آن است که متناسب با موقعیت

<sup>۳۷</sup> وسائل الشیعة، ج ۱۰، کتاب الحج، أبواب المزار...، باب ۴۴، ص ۳۴۶.

و مقام منعم باشد. تشخیص نعمت و شناسایی منعم باید باشد تا شکر و قدردانی محسوب شود و الا به جای این که شکر باشد، توهین به حساب می آید و تشخیص این امور و رعایت آن ها نیازمند درایتی خاص و معرفتی شایان است و توفیق أداء صحیح آن نصیب هر کس نمی شود. حضور بر سر مزار اولیاء الله و عرض ادب و قرائت زیارتنامه هدیه نمازی و سلامی، کمترین تشکری است که افراد عادی در قبال عنایاتی که - خواسته یا ناخواسته - از جانب ایشان دریافت می دارند، ابراز می نمایند. در عین این که خود این تشکر نیز مستتبع برکات و عنایات بیش تری می باشد.

قرآن کریم در آیات عدیده، فلسفه و فرآیند شکر را چنین ترسیم می نماید: «و إِذْ تَأَذَّنَ رَبِّكُمْ لئنْ شکرتم لأزیدنکم و لئنْ کفرتم إنَّ عذابی لشدید؛ و زیرا پروردگارتان اعلام نموده که اگر سپاس دارید، (نعمت را بر) شما فزونی بخشم و اگر ناسپاسی نمایید هرآینه عذاب من دردناک می - باشد.» (ابراهیم ۷/۱۴)

لکن: «و قلیل من عبادی الشکور؛ از بندگان من تعداد کمی شکرگزاراند.» (سبأ ۴/۳۴ و نیز: أعراف ۱۷/۷) «هذا من فضل ربی لیبلونی ء أشکر أم أكفر و من یشکر فإئما یشکر لنفسه و من کفر فإن ربی غنی کریم؛ این (نعمات) از تفضلات پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا من شکر می نهم یا کفران نعمت می کنم؟! و هر آن که قدر داند، پس همانا برای خودش شکر نموده و هر آن که کفران نماید (به منعم آسیبی نرسد، زیرا) همانا پروردگارم بی نیاز بزرگوار می باشد.» (نمل ۲۷/۴۰) «و سیجری الله الشاکرین؛ و خداوند شاکران را پاداش خواهد داد.» (آل عمران ۱۴۴/۳ و نیز: ۱۴۵) «شاکراً لأنعمه اجتیبه و هداه ألی صراط مستقیم؛ (چون ابراهیم ع) از قانعان و) شاکران نعمات إلهی بود (خداوند) وی را برگزید و او را به راه راست هدایت نمود.» (نحل ۱۶/۱۲۱) بنا به این کرائم روحیه شکرگزاری عطیه ای إلهی است که نشانه بزرگواری خود شخص و بزرگداشت اولیاء الله با زیارت و توسل و ... می گردد و ثمره شکر عائد خود زائر می شود نه نصیب شخص مزور، زیرا وی به خدا رسیده و جایگاه خود را در میان ملکوتیان اتخاذ نموده و شکر یا کفران دیگران نفع یا ضرری برای وی نخواهد داشت، لکن در پی این تشکر توجه و عنایات ایشان نصیب زائر شده و گره های فکری، روحی و مادی وی را می گشاید.

##### ۵. اطاعت دستورات إلهی در إبتغاء وسیله و تمسک به جبل الله و تعظیم شعائر الله

خداوند متعال فرماید: یا أیها الذین امنوا اتقوا الله و ابتغوا إلیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوا پیشه نمایید و وسیله ای را به سوی وی در پیش نهید و در راه او تلاش نمایید، امید آن که رستگار شوید.» (مائده ۳۵/۵ و نیز: إسرائ ۱۷/۵۷)

نیز فرماید: «یا أیها الذین امنوا اتقوا الله حقّ تقاته و لا تموتنّ و أنتم مسلمون» و اعتصموا بحبل الله

جميعاً و لا تفرّقوا...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی را چنان که بایسته است رعایت نموده و نمیرید مگر این که مسلمان باشید (تا دم مرگ ایمان خود را حفظ نمایید) \* و به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرّق نشوید. ...» (آل عمران ۱۰۲/۳-۱۰۱ و نیز: نساء ۱۷۴/۴-۱۷۵)

«و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب؛ و هر آن که شعائر الهی را بزرگ دارد، این نشانه تقوای دل او است.» (حج ۳۲/۲۲) جمع بندی آیات این است که وسیله ای که انسان مؤمن متقی را به خداوند می رساند، به ریسمان محکمی می ماند که گسستگی در آن نیست و این سبب وحدت امت اسلامی و بزرگداشت شعائر دینی است که جز نصیب پاکان که امتحان پس داده و از ابتلائات سرافراز بیرون آمده اند. در روایات عدیده ای که ذیل این کرائم در تفاسیر مختلف ذکر گردیده، أهل البيت و اولیاء الله (علیهم السلام) از أهمّ مصادیق این وسائل و ریسمان الهی بوده و زیارت و توسّل به ایشان از أهمّ مصادیق تمسک به این وسائل فیض و بزرگداشت شعائر الهی می باشند.

#### ۶. ابراز فرائض تولی و تبری

تولی به معنی دوستی با دوستان خدا و تبری به معنی دشمنی با دشمنان خدا دو فریضه توأمان هستند که ابراز یکی بدون دیگری به نفاق یا تزویر می ماند. بدین جهت که تولی مستتبع تبعیت از روش و منش اولیاء الله و این مستلزم طرد و ترک روش و منش اعداء الله می باشد؛ پس هر یک مستلزم دیگری بوده، این دو قابل تفکیک نمی باشند. بنابراین بی طرفی و بی تفاوتی نیز در واقع هم ردیف دوستی با دشمنان خداوند می باشد، زیرا مستلزم میدان دادن به دشمنان و رضایت به ظلم و جنایات این ها است.

از جمله نمودهای مهمّ تولی و تبری همین زیارت ها و بزرگداشت موالید و برپایی عزاها و مراسم یادبود این بزرگواران می باشد که همراه با سلام و صلوات برای ایشان و لعن و نفرین و اظهار بیزاری از قاتلان و دشمنان ایشان می باشد، زیرا این دو فروع دین نیز به سان سایر عبادات باید همراه با قصد قربت بوده و در عمل نیز بروز و نمود داشته باشند. در حالی که ترک این مناسک و مراسم چیزی جز بی اعتنائی به اولیاء الله نخواهد بود.

#### ۷. بهره مندی از ذکر خداوند و صلوات بر محمد و آل (صلوات الله علیهم أجمعین)

بر خلاف روند معمول عوام که زیارت چسبانیدن خود به ضریح مطهر و چرخش از اوّل تا آخر آن یا حدّ اقلّ رسانیدن دستی به ضریح محسوب شده و این را اوج زیارت و نشانه قبولی زیارت می پندارند؛ اعمال مورد تأکید در اماکن مقدّسه، اعمال مقدّسی مثل: اشتغال به ذکر اله، تلاوت قرآن کریم، زیارت نامه مخصوصه و زیارات سه گانه جامعه، زیارت امین الله و وارث و...؛ ادعیه

متناسب با مناسبت های قمری و...، صلوات بر خاندان نبوت و هدیه نماز به ایشان؛ زیارت نیابتی از ذوی الحقوقان و دعا و استغفار و... می باشد.

همان گونه که گناهان دارای اثرات وضعی بوده و قلب را تیره و فکر را تاریک می نمایند، این اذکار و ادعیه - حتی اگر قاری چندان متوجه مضامین آن ها نباشد، یا حضور قلب نداشته باشد - دارای نورانیت خاص بوده و تیرگی و زنگار انباشته شده بر قلب و فکر را کم می - زداید و به دل و فکر جلا و نورانیت بخشیده و کفاره گناهان محسوب می گردد، زیرا «إن الحسنات يذهبن السيئات؛ هرآینه نیکوکاری ها، لغزش ها را از بین می برد.» (هود/۱۱۴)

اگر قاری و زائر خود آشنا به زبان عربی بوده یا با توجه به ترجمه ها مشغول این اذکار گردد که برکات معرفتی و عرفانی مضاعفی نصیب زائر خواهد شد، زیرا زیارتنامه و ادعیه در واقع مجموعه ای از اهم معارف و اخلاق و تاریخ اسلام بوده و دانشگاه انسان سازی می باشند. در این جا به جهت اختصار تنها به گوشه ای از برکات صلوات اشاره می شود:

«صلواتی که ما می فرستیم، از طرف ما نسبت به آن حضرت کمالی عائد نمی - شود. ... اما برای خود ما یک تقریبی است که ما از آن راه به کمال نائل می شویم. معنای صلوات فرستادن بر رسول خدا [و خاندانش] آن است که خدایا رحمت را بر پیامبر و آل پیامبر نازل فرما. وقتی این رحمت بر پیامبر نازل شد، به دیگران هم می رسد، چون او مجرای فیض است. ...

علی (علیه السلام) فرمود: «هر گاه حاجتی داشتید، دعایی کردید، چیزی از خدا خواستید، همراه آن یا بعد از آن صلوات بر پیامبر را فراموش نکنید؛ زیرا صلوات بر آن حضرت یک دعایی مستجاب است و چون همراه صلوات، حاجت خود را خواستید، خدای سبحان این چنین نیست که یکی را برآورده کند و دیگری را برآورده نکند.» بدین جهت است که در برنامه های آموزنده امام سجّاد (علیه السلام) که مثل اعلای نیایش و دعا را به ما می آموزاند، در بسیاری از فرازهای ادعیه ایشان صلوات به چشم می خورد. هر مطلبی را که آن حضرت از خدا می - خواهد، قبل و بعدش صلوات است؛ چون آن اول و آن آخر را خداوند مستجاب می کند، بین آن ها را هم مستجاب خواهند فرمود.»<sup>۳۸</sup>

## ۸. تقویت معرفت، ایمان و عشق به اولیاء الله

چنان که گذشت، زیارت نامه ها، ادعیه و ... دانشگاه انسان سازی بوده و بر معارف زائر می -

<sup>۳۸</sup> جوادی آملی، عبد الله، اسرار عبادات، صص ۱۷۰-۱۷۲.

افزایند. مضاعف شدن معرفت و شناخت، سبب تعمیق ایمان شده و تعمیق ایمان، عشق به ایشان و کمالات ایشان را تشدید می نماید. عشق و محبت شدید به معشوق، هم‌رنگی با محبوب و معشوق و تلاش برای جلب رضایت وی را در پی دارد. تهذیب نفس و پالودن آن از آلودگی‌ها و خباثت، راه تعالی و ترقی به قرب الهی را بر انسان گشوده و سیر را سهولت و سرعت می بخشد.

«انسان تا به چیزی معرفت پیدا نکند، محبت پیدا نمی کند و انسان به قدر محبتش می‌آرزد و با محبوبش محشور می‌شود. ... گفتند: سعی کنید علی و اولاد علی (علیهم السلام) را دوست داشته باشید. این دوست داشتن [که] ذخیره و یکی از ارکان اصلی دین به نام ولایت است، تنها آن‌ها را به عنوان سرپرستی قبول کردن نیست. ... سخن از تجلیل و تکریم قانونی نیست که هر چه آن‌ها گفتند، ما اطاعت کنیم؛ این مرحله اول پیروی است. ...

دوستی بی معرفت میسر نیست و معرفت باطن عبادت است. همه کارهای ما که صبغه عبادی دارد، باید به این باطنش که یقین است برسد. ... اگر محبت محبت صادق است، با محبوب خود محشوری. چگونه ممکن است دوست آن‌ها باشی و کار آن‌ها را انجام ندهی؟! دوستی منهای اطاعت دوستی نیست، بلکه تمنی است. محبت آن است که زمام کار را به عهده بگیرد و تصمیم گیرنده محض باشد. محبت آن مرحله عالی اراده است. چگونه ممکن است محبت باشد و انسان به میل خود عمل نکند، نه به رضای محبوب؟!»<sup>۳۹</sup>

بودن در کنار اولیاء الله، گفت و گو و راز و نیاز، تلاوت قرآن، زبان گشودن به اذکار و زیارتنامه‌ها و ادعیه و ... و دل سپردن به مضامین این‌ها و یادآوری زندگینامه و سیره این بزرگواران، اثری شگرف در ثبوت ایمان و تقویت روحیه صبر و استقامت در راه خدا و نیز تحمل مصائب و مشکلات دنیوی دارا است. ملازمت با ایشان بر تعمیق معرفت و ایمان می افزاید و برعکس دوری از ایشان ممکن است به مرور سبب فراموشی مرام ایشان و تضعیف ایمان و روحیه صبر شود.

تأکید بر زیارت و ارتباط با ایشان - اگر چه از راه دور- و تخصیص هر یک از ایام هفته به ایشان و زیارت خاص برای هر روز و ... همه به جهت این است که شیعه همیشه خود را در کنار و در منظر ایشان ببیند و مراقب عملکرد خود بوده و بر معرفت و محبت و بالتبع بر هم‌رنگی خود با ایشان بیفزاید. سلام مجدّد در واقع بیعت و عهد جدید با ولایت و مرام ایشان است. این بیعت و عهد، خود تعهدآور است و جلو خود محوری و تبعیت از هوی و هوس را می گیرد.

<sup>۳۹</sup> جوادی، عبدالله، اسرار عبادات، صص ۲۶۰-۲۶۲ و نیز: ر.ک. حکمت عبادات، صص ۲۴۷-۲۴۹ و ولایت علوی، ۱۱۵-۱۲۱.

## ۹. اتّخاذ الگوهای برین حیات دنیوی و اخروی

«یکی از نعمت های بزرگی که نردبان ترقّی و وسیله تکامل است، حسن تقلید و پیروی از رفتار و کردار دیگران است و اگر بشر بدون این حسن آفریده شده بود از بسیاری از مواهب که از راه پیروی دیگران به دست می آید، باز می ماند. ... افرادی که شخصیت آنان به طور کامل شکل نگرفته و در روح و روان آن ها خلأی وجود دارد می توانند از طریق پیروی از دیگران به مقامی برسند. این غریزه ای است که انسان ها خواه ناخواه به پیروی از دیگران وادار می سازد و مهم نیست که از کسی پیروی کنیم؛ مهم این است که از چه کسی پیروی نماییم؟! گفتار و کردار چه فردی را مدل زندگی و الگوی خود قرار دهیم؟! ... یکی از آشکارترین پدیده های دوره جوانی و بلوغ را قهرمان پرستی می دانند. قهرمان منتخب، کعبه انطباق رفتار نوجوان است.»<sup>۴۰</sup>

الگو و نمونه و مد در اصطلاح قرآنی «أئمه» نامیده شده که سه دسته می باشند:

ا. گروهی که هم خود مهتدی اند و هم دستگیر دیگران هستند و سایرین را نیز به راه درست هدایت می نمایند: «و جعلناهم أئمة يهدون بأمرنا؛ و ما ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که طبق امر ما هدایت می کنند.» (انبیاء ۷۳/۲۱)

ب. پیشوایانی که هم خود گمراه اند و هم دیگران را گمراه نموده و با خود راهی جهنم می نمایند: «و جعلناهم أئمة يدعون إلى النار؛ و ما ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که به جهنم دعوت می کنند.» (قصص ۴۱/۲۸)

ج. گروهی که خود در سیر و حرکتند، لکن هنوز به مقصد نهایی نرسیده و ذکرشان این است که: «و اجعلنا للمتّقین إماماً؛ و ما را پیشوای متّقین قرار ده.» (فرقان ۷۴/۲۵) نیز: «ربّنا و لا تجعلنا فتنةً للقوم الظّالمین؛ و ما را مایه عبرت قوم ستمکار قرار مده.» (یونس ۸۵/۱۰ و نیز: ممتحنه ۶۰/ ۵)

اقتداء و الگوگیری و تبعیت از گروه الف (أولياء الله) و جیم (صلحاء و متّقین) موجب نجات و الگوگیری و پیروی از گروه ب (کفّار و ظالمین و...) سبب خسران و تباهی است.

پیروان گروه دوّم از مصایق این گروه اند که در قیامت از همه بازنده تر می باشند: «یوم یعضّ الظّالم علی یدیهِ یقول یا لیتنی اتّخذت مع الرّسول سبیلاً\* یا لیتنی لم اتّخذ فلاناً خلیلاً\* لقد أضلّنی عن الذّکر بعد إذ جائنی و کان الشّیطان للإنسان خذولاً\*» و قال الرّسول یا ربّ إنّ قوم اتّخذوا هذا القرآن مهجوراً؛ روزی که ظالم دست خود را گزیده، می گوید: ای کاش راهی را در پی رسول

<sup>۴۰</sup> سبحانی، جعفر، سیمای انسان کامل در قرآن، صص ۳۵۱-۳۵۳.



پیش می گرفتیم! ای کاش فلانی را دوست خود نمی گرفتیم! هرآینه پس از آن که ذکر برایم حاصل آمد، وی مرا گمراه کرد و شیطان پست کننده انسان است! و رسول (نیز شکوه کنان) گوید: پرودگارم! قوم من قرآن [صامت و ناطق] را رها کردند! (فرقان ۲۵/۲۷-۳۰)

از آن جا که پیامبر و خاندانش قرآن ناطق و جلوه گر تام قرآن کریم بوده و این دو (قرآن و عترت) دو ثقلی هستند که از هم تفکیک ناپذیر می باشند، مهجور نهادن قرآن کریم با مهجور نمودن عترت همطراز و همراه اند و تمسک به یکی، بدون دیگری نمی تواند به طور کامل انسان را به قرب إله برساند. به خصوص که هر یک مفسر و مبین دیگری محسوب شده و نقاط مبهم هر یک را دیگری روشن می نماید.

«أئمة طاهرين فقط به قرآن قابل تشبیهند و قرآن نیز فقط به آن ها تنظیر می شود. ظاهر آن ها با ظاهر قرآن در تماس است و باطن آن ها با باطن قرآن در تماس. بدین ترتیب بهترین مبین قرآن کریم عترت طاهره (ع) و بهترین معرف عترت طاهره (ع)، قرآن کریم است؛ چون آنان عالم به حقائق قرآن و قرآن سند صدق گفتار و صداقت کردار آن ها است. آنان قرآن مجسم و قرآن شناسنامه شخصیت آن ها است.

سعد بن هشام بر عایشه وارد شد و از اخلاق رسول اکرم (ص) پرسید؛ عایشه گفت: «آیا قرآن می خوانی؟» گفت: بله. گفت: «اخلاق رسول الله همان قرآن بود؛ کان خُلِقُ رسول الله (ص) القرآن» این سخن در باره علی (ع) که به منزله جان رسول خدا (ص) است و سایر ائمه (ع) که مجموع این چهارده نفر نور واحد هستند، نیز جاری می شود. ...»<sup>۴۱</sup>

وقتی قرآن کریم سیره عملی همه اولیاء الله باشد، اقتداء به یکی عین اقتداء به سایرین است و اگر تفاوت های جزئی در روش و منش اجتماعی ایشان ملاحظه شود، صرفاً متوجه اقتضائات زمانه و حکمت های پیش آمده در پی حوادث روزگار بوده است. پس اقتداء به روش و منش امثال حضرت معصومه (س) نیز همان اقتداء به معارف قرآنی و سیر و سلوک پدر و برادر ایشان می باشد. وقتی در قرآن کریم آسیه و مریم (علیهما السلام) الگوی تمامی زنان و مردان مؤمن معرفی می گردند؛<sup>۴۲</sup> به طریق اولی حضرت فاطمه کبری و فاطمه ثانی (حضرت معصومه) (سلام الله علیهما السلام) نیز الگوی تمامی مردان و زنان آزاده جهان و به خصوص پیروان مذهب تشیع می باشند.<sup>۴۳</sup>

<sup>۴۱</sup> جوادی آملی، عصاره خلقت، صص ۷۸-۸۱؛ نیز: ر.ک. همو، زن در آینه جمال و جلال، ص ۴۰۶.

<sup>۴۲</sup> تحریم ۱۱/۶۶-۱۲.

<sup>۴۳</sup> ر.ک. جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، صص ۱۶۶-۱۴۲.

## ۱۰. آرامش روحی و روانی

عصر حاضر، به دوران «بحران روانی» شهرت یافته و اصطکاک های زندگی صنعتی و ماشینی از یک سو و دوری انسان ها از یکدیگر با پیشرفت صنایع و زندگی کلان شهرها از سوی دیگر؛ نیز گسترش صنعت ارتباطات و امکان ارتباط از راه دور، بر کم شدن روابط صمیمانه انسانی و انس و الفت با همدیگر دامن زده است. همین امر بحران روانی را روز به روز تشدید می نماید. نبود گوش شنوا برای شنودن درد دل ها و نبود راهگشایی برای حل مشکلات، معضل مهمی است که انسان مادی یا بریده از اولیاء الله راه حلی برای آن در پیش ندارد.

رفتن به زیارتگاه ها و خالی کردن عقده دل و به زبان آوردن ناگفته هایی که بر دل سنگینی می کنند و فرد نمی تواند آن ها را حتی با نزدیک ترین کسان خویش در میان نهد؛ گریه و زاری و گشودن عقده دل از راه تضرع و انابه به درگاه حق تعالی؛ درخواست شفاعت برای بخشش گناهان و رفع حوائج دنیوی و عذاب اخروی و ... سبب سبکی روح و آرامش روحی و روانی گشته و زائر را با یک دنیا امید روانه ادامه زندگی و شکیبایی در برابر مشکلات می نماید.

با روا شدن حاجت و حل مشکلات، عشقش به اولیاء الله بیش تر شده و بر الگوگیری از ایشان ترغیب می گردد. با تصرف ولایی ایشان، دست از آلودگی ها شسته و راه خیر و صلاح را در پیش می گیرد. با این روند روز به روز به آرامش روانی بیش تری رسیده و توان ادامه مسیر زندگی و استقامت بر آن را می یابد. انقلاب روحی به او حیات مجدد، بلکه حیات طیبه عنایت می نماید. این حیات طیبه سعادت دنیوی و اخروی وی را تضمین خواهد نمود.

## ۱۱. ترویج مکتب تشیع از راه زیارت

پدر و مادر برترین و نزدیک ترین الگوی تربیتی کودکان و نوجوانان می باشند. وقتی کودک از وقتی که چشم باز می کند، گهگاه خود را در این اماکن ببیند و نحوه زیارت و ... را از والدین فرا گیرد، این روش در خاطره وی به سان نقش بر سنگ، ماندگار گشته و بر روحیه مذهبی وی می افزاید. هم چنین دیگران نیز با مشاهده انبوه زائران دلبخته، به زیارت ترغیب و تشویق شده و از این طریق تشیع سینه به سینه به نسل های بعد منتقل و گسترش و نفوذ بیش تری خواهد یافت. وجود وسائل تفریح کودکان در جنب این زیارتگاه ها و امکان بازی و سرگرمی برای ایشان و نیز خرید سوغات برای اطرافیان و ... بر این جذبها خواهد افزود. نباید به زیارت بردن کودک همراه با خشونت یا خستگی و دلزدگی همراه گردد و إلا ممکن است نتیجه معکوس به بار آورد. طولانی شدن زیارت برای کودکان غیر قابل تحمل و سبب دلزدگی می شود، به خصوص اگر با بی اعتنائی والدین نسبت به وی همراه گردد. هم چنین همراه بردن کودکان نباید سبب سر و صدای زیاد، نجس شدن یا کثیف شدن این اماکن مقدس بگردد.

## ۱۲. تأدیب به أدب زیارت

زیارت بزرگان نمودن یک رسم دیرینه و بلکه نیاز روحی انسان می باشد. حضور در برابر دیگران مستلزم رعایت أدب حضور است که باید متناسب با شخصیت کسی باشد که وی در محضرش شرفیاب شده است. حضور در زیارتگاه ها، به خصوص که زائر اقرار دارد که: «أشهد أنك تسمع كلامي و تری مقامي و تردّ سلامي»، نیازمند رعایت أدب حضور در محضر این بزرگواران می- باشد. برای آداب زیارت امور عدیده ای ذکر شده، که در این نوشتار به جهت اختصار، به صورت فهرست وار، تنها به أهمّ آن ها اشاره می گردد:

۱. ورود با طهارت و وضو، که بهتر است همراه با غسل زیارت باشد؛
۲. داشتن قصد قربت و نیت خالص و به عبارتی عدم تظاهر و ریا در موقع زیارت و دعا و ...؛
۳. ورود با أدب و با طمأنینه و عدم مزاحمت و فشار و ... به سایر زائران؛
۴. خواندن إذن دخول و قدری درنگ و تأمل قبل از ورود؛
۵. درنگ و تأمل در حرم و اشتغال به زیارت نامه و هدیه نماز و دعا و ...؛
۶. پرهیز از حرف ها و اشتغالات دنیوی و بیهوده و ...؛ برای این امور مکان های دیگر انتخاب شوند!!

۷. پرهیز از گناهان، مثل: غیبت، تهمت، تحقیر و طعنه به سایر زائران، عصبانیت و تندى با دیگران، إختلاط با نامحرمان، نگاه آلوده و مغرضانه به نامحرم و...؛

۸. خروج مؤدبانه و همراه با سلام وداع از زیارتگاه؛

۹. قصد رجوع مکرر و با قصد قربت به آن زیارتگاه؛

۱۰. رعایت حرمت حرم در شهرهای زیارتی و به خصوص اطراف اماکن مقدّسه؛ ۱۱. ...<sup>۴۴</sup>

«اللهم إني أسئلك أن تختم لي بالسعادة، فلا تسلب مني ما أنا فيه و لا حول و لا قوة إلا بالله العليّ العظيم. اللهم استجب لنا و تقبله بكرمك و عزتك و برحمتك و عافيتك و صلّى الله على محمّد و آله أجمعين و سلّم تسليمًا يا أرحم الراحمين»

### «فهرست منابع و ماخذ»

قرآن کریم، ت: محمّد کاظم معزی، ۱۳۴۲ش..

نهج البلاغه، ت: محمّد دشتی، نشر ائمه، قم، ۳، ۸۰.

اسدی، اکبر، نردبان آسمان، (نکته هایی از آیت الله بهاء الدینی).

<sup>۴۴</sup> ر.ک. محدثی، جواد، زیارت؛ و نیز رکنی، محمّد مهدی، شوق دیدار؛ مفاتیح الجنان، قسمت زیارات و... .

- بحرانی، تحف العقول عن آل الرسول،  
 جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، اسراء، قم،  
 -----، تحریر تمهید القواعد، اسراء، قم.  
 -----، حکمت عبادات، -----.  
 -----، أسرار عبادات، -----.  
 -----، ولایت علوی، -----.  
 -----، عصارة خلقت، -----.  
 -----، انسان در قرآن، -----.  
 -----، ادب فنای مقربان ج ۵ و ۳، اسراء، قم، ۱۳۸۲  
 -----، انسان در اسلام، رجاء، تهران، ۱۳۷۲  
 -----، شمیم ولایت، اسراء، قم، ۱۳۸۶.  
 -----، ولایت در قرآن، رجاء، تهران، ۱۳۸۶.  
 حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه ... ، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۶ ق.  
 حکیمی، محمد، حضرت معصومه و شهر قم، -  
 سبحانی، جعفر، سیمای انسان کامل در قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چ ۴، ۷۱.  
 صدر، محمد باقر، خلافت انسان و گواهی پیامبران، ت: دکتر جمال موسوی،  
 فیض ، عبّاس، گنجینه آثار قم، ج ۱، -.  
 قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، - .  
 قمی، شیخ عبّاس، تتمّة المنتهی، - .  
 کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۶۵.  
 کیا شمشکی، أبوالفضل، ولایت در عرفان،  
 مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق. .  
 محدثی، جوادی، زیارت  
 محمد بیگی، الیاس، فروغی از کوثر  
 محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت معصومه (س) فاطمه دوّم، نشر اخلاق، قم، چ ۲، ۸۴ .  
 مختاری، محمد حسین، امامت و رهبری،  
 مطهری، مرتضی، انسان کامل، صدرا، تهران، ۷۲.  
 -----، ولاءها و ولایتها، صدرا، تهران، ۶۵.

مؤسسه فرهنگی کوثر ولایت، تجلی در حضرت فاطمه معصومه (س)، (گزارش سخنرانی ها و مقالات همایشی با همین عنوان)، قم، فجر ولایت، چ ۱، ۱۳۸۲.  
هاشم، أبوالحسن، (ثامر العمیدی)، سیده عشّ آل محمّد